

## درختان مقدس

### تهیه کننده: شیوا شکوری

واژه‌ی گوکرن (Gōkarn / Gōkaran) یکی از واژه‌های کهن ایرانی و اوستایی است و در چند معنا و با چند تلفظ آمده.

#### در اوستا:

واژه‌ی گنوکرنه (Gaokerena / Gaokerēnā) آمده است.

این واژه به معنی درخت مقدس زندگی یا درخت جاودانگی است.

این درخت در «دریای فراخکرد» (Vourukasha) روئیده و عصاره‌ی آن باعث بی‌مرگی و نوزایی جهان در پایان زمان (فرشکرد) می‌شود.

درخت گوکرن را معمولاً برابر با «درخت حیات» یا «Haoma سپید» می‌دانند.

معنی لغوی:

• گنو (gāo) = گاو، زمین، یا زندگی

• کرن / کرَنَ (karēna) = شاخ، شاخه، یا آفریده

بنابراین گوکرن را می‌توان «شاخ گاو»، «آفریده‌ی زمین»، یا «درخت زاینده‌ی زندگی» دانست.

#### در متون پهلوی:

در متون پهلوی مانند بندهش و دینکرد آمده که از گوکرن در پایان جهان برای بازآفرینی انسان‌ها و حیوانات استفاده می‌شود، و اهریمن می‌کوشد آن را نابود کند، اما «ماهی بزرگ کر» از آن محافظت می‌کند.

#### خلاصه:

گوکرن = درخت جاودانگی / درخت حیات در اسطوره‌های ایرانی،

روئیده بر دریای فراخکرد،

مایه‌ی زندگی دوباره در هنگام فرشکرد.

#### گوکرن در اسطوره‌ی ایرانی

در جهان‌شناسی اوستایی، دریایی به نام فَرَاخ‌کرت (Vourukasha) هست، و در میانه‌ی آن درختی روئیده به نام گوکرن (گنوگرنه).

ویژگی‌هایش:

- از شیرهی آن، آمریته (نوش جاودانگی) ساخته می‌شود.
- نگهبانش ماهی بزرگ گر (محافظ) است که دشمن اهریمنی‌اش، وزغ اهریمنی را از آن دور می‌کند.
- در پایان جهان (فرشکرد)، از این درخت، دارویی ساخته می‌شود که مردگان را زنده می‌کند و بیماری و مرگ را از میان می‌برد.
- این درخت نماد بازایی، جاودانگی، و پیروزی نهایی نیکی بر بدی است.

### پیوند با هئومه (Haoma)

- در اوستا، گیاه دیگری نیز هست به نام هئومه (Haoma)، گیاه آیینی و مقدس.
- بسیاری از پژوهشگران (از جمله مهرداد بهار) گوگرد را صورت آرمانی یا اسطوره‌ای همان هئومه می‌دانند.
- هئومه گیاهی است که در مراسم دینی فشرده می‌شود و نوشیدنی «جاودانگی» از آن به دست می‌آید.
- گوگرد، در سطح کیهانی، همان نیروی زاینده‌ی جاودان حیات است.

### نمونه‌های مشابه در اسطوره‌های دیگر

#### میان‌رودان (Mesopotamia)

- در گیلگمش، گیاهی در اعماق آب است که اگر انسان آن را بخورد، جوانی دوباره می‌یابد.
- اما مار، آن را می‌درد و می‌خورد، و به همین دلیل پوست می‌اندازد و جوان می‌ماند.
- این گیاه همان جایگاه اسطوره‌ای گوگرد را دارد: درخت یا گیاه جاودانگی، در دل آب.

#### در سنت عبری و مسیحی

- در «سفر پیدایش»، درختی در مرکز بهشت هست:
- درخت حیات و درخت شناخت خیر و شر.
- آدم و حوا از میوه‌ی دوم می‌خورند و از بهشت رانده می‌شوند تا مبادا از درخت اول (حیات) نیز بخورند و جاودانه شوند.
- یعنی همان ایده‌ی گوگرد: درختی که نوش یا میوه‌اش زندگی جاودان می‌بخشد.

#### در اسطوره‌ی هندی

- در اسطوره‌ی ودایی و پورانه‌ای، درختی هست به نام کالپا-وریکشا (Kalpavriksha) یا درخت آرزوها، و گیاهی مقدس به نام سومه (Soma).
- سومه هم، مانند هئومه، نوش جاودانگی است.
- از دریا (همچون گوگرد در دریای فراخکرد) به هنگام هم‌زدن اقیانوس (Samudra Manthan) بیرون می‌آید.

## در یونان

- در اسطوره‌ی هسپریدها، درختی هست با سیب‌های طلایی که نگهبانش اژدهایی عظیم است. هرکس از آن بخورد، جاودانه می‌شود.
- هرگلس (هرکول) یکی از سیب‌هایش را می‌رباید.
- باز همان مضمون: درخت جاودانگی، نگهبان افسانه‌ای، و خطر نزدیک شدن به آن.

## نمادشناسی کلی

درخت گوکرن در اندیشه‌ی ایرانی نماد:

• وحدت جهان (ریشه در آب، شاخه در آسمان)

• پیوند زمین و آسمان

• جاودانگی و تولد دوباره

• و نگهبانی از حیات در برابر نیروهای اهریمنی است.

همین ساختار در تمام اسطوره‌های بزرگ تکرار می‌شود:

درخت = محور جهان، مرکز هستی، منبع زندگی.

## ماهی گر (Kār Mahi)

در متون پهلوی به‌ویژه در بُندهِش و مینوی خرد، آمده است که:

ماهی‌ای است بسیار بزرگ، نیک‌نهاد و مینوی که در دریای فراخ‌گرت (Vourukasha) زندگی می‌کند و

از درخت گوکرن (درخت جاودانگی) پاسداری می‌کند.

این درخت سرچشمه‌ی همه‌ی داروها و زندگی‌هاست؛ اگر از بین برود، نظم جهان فرو می‌پاشد.

## دشمن اهریمنی: وزغ

در برابر ماهی گر، دیو وزغ (Vazagh) یا «وزغ اهریمنی» هست.

موجودی زشت و سمّی و ویرانگر که می‌خواهد درخت گوکرن را آلوده و نابود کند.

اهریمن، برای از میان بردن درخت زندگی وزغ را به سوی آن می‌فرستد تا ریشه‌اش را بجود.

اما ماهی گر، نگهبان دریا و درخت،

پیوسته با دم یا حرکت خود، آن وزغ را می‌راند و نمی‌گذارد نزدیک شود.

## معنا و نمادشناسی:

در حقیقت، این پیکار میان ماهی کر و وزغ، نماد جنگ دائمی نیکی و بدی، روشنائی و تاریکی در کیهان است. در پایان زمان (فرشکرد)، با نابودی نیروهای اهریمنی، درخت گوگرد شکوفا می‌شود و از عصاره‌اش نوش جاودانگی برای همه‌ی مردگان ساخته می‌شود.

پسوندهای -گر / -گرت / -گرنه از بنیادی‌ترین ساخت‌های واژگان اسطوره‌ای اوستا و پهلوی‌اند.

دقیق و ساده باز کنم:

«گر» (kar)

این پسوند از ریشه‌ی کهن ایرانی و هندواروپایی -kar- / kr- می‌آید که معنایش «کردن، ساختن، آفریدن، عمل کردن» است.

در اوستا و سنسکریت هر دو مشترک است:

• اوستایی: -kar = کردن

• سنسکریت: -kr = انجام دادن

پس:

-گر در پایان واژه، معنی «آفرید، سازنده، کننده» دارد.

مثال‌ها:

• اهورَمَزداگر = آفریننده‌ی اهورمزدا

• ماهی‌گر = ماهی‌کشگر، نگهبان

• در فارسی میانه گاه تبدیل به «گر» می‌شود:

مانند «کارگر»، «داناگر»، «خزدمندگر» → یعنی فاعل عمل.

«گرت» (kart)

این در واقع صفت مفعولی همان ریشه‌ی -kar- است،

یعنی آنچه کرده شده، آفریده شده، ساخته شده.

در اوستا و پهلوی:

• karta = کرده، آفریده، ساخته

در فارسی نو هنوز داریم:

• «کرده» در «نیک‌کرده»، «بدکرده»

## مثال‌ها از متون کهن:

• فره‌وشی نیک‌کردگان = ارواح نیک‌کرداران

• اهورامزدا کرت = آفریده‌ی اهورمزدا

### «سگرنه» (karəna / karna)

این یکی از همه جالب‌تر است.

در اوستا گاهی karəna یا karna به معنی شاخ، انشعاب، برآمدگی، یا آفرینش گسترنده به‌کار می‌رود.

ریشه‌اش احتمالاً از همان kar- «آفریدن» است، ولی با افزوده‌ی «-na» که اسم آفرین است.

پس «سگرنه» یعنی:

چیزی که آفریده شده، یا شاخه‌ای از آفرینش است.

نمونه‌ی روشن:

• گئوگرنه (گوکرن) = آفریده‌ی زمین / شاخه‌ی زمین / زائیده‌ی گاو نخستین

• برخی مترجمان آن را «درخت آفریده از زمین» یا «شاخ زمین» می‌دانند.

### هوم سپید (Haoma Sepīd)

در بسیاری از روایت‌های پهلوی و تفاسیر مهرداد بهار، همان درخت گوکرن است یا دست‌کم صورت مینوی و آیینی همان درخت.

اما بگذارید مرحله‌به‌مرحله روشن‌تر توضیح دهم

#### گوکرن در بندهش و اوستا

درخت گوکرن (گئوگرنه) در اوستا در دریای فراخ‌گرت روییده است و از آن:

• همه‌ی داروهای جهان پدید می‌آیند،

• در پایان زمان (فرشکرد)، از آن «نوش جاودانگی» ساخته می‌شود

• و نگهبانش ماهی گر است.

گوکرن در واقع «درخت زندگی» است.

#### هَنومَه (Haoma) در اوستا

هَنومه (در فارسی میانه: «هوم») گیاهی مقدس است که در آیین دینی فشرده می‌شود تا شربت‌ی آیینی و نیرودهنده پدید آید.

خود زرتشت در گاهان با این گیاه سخن می‌گوید و از آن نیروی مینوی می‌گیرد.

در بعضی بخش‌های یسنا، هئومه تجسمی از حیات و خرد است.

### هوم سپید در متون پهلوی

در بندهش، دو گونه هوم ذکر شده:

• هوم زرد (هوم زمینی و آیینی)

• هوم سپید (هوم مینوی، یا همان گوکرن)

متن بندهش می‌گوید:

«از درخت گوکرن، هوم سپید روید؛

و از او، بی‌مرگی و رستاخیز مردمان پدید آید.»

بنابراین در جهان مینوی، گوکرن درختی است که ریشه‌اش در آب‌های کیهانی است،

و هوم سپید، تجلی و برآیند مینوی آن در جهان دینی انسان‌هاست.

### تفسیر مهرداد بهار و دیگران

مهرداد بهار، ژاله آموزگار و جلال خالقی مطلق همه بر این نکته تأکید دارند که:

گوکرن = صورت کیهانی درخت حیات

هوم سپید = صورت آیینی و زمینی همان نیرو

یعنی در عالم مینوی، درخت گوکرن منبع حیات است و در عالم انسانی، «هوم سپید» (هوم مقدس) همان نیرویی است که از آن آشامیده می‌شود و جان تازه می‌بخشد.

### بنابراین:

• هوم سپید و گوکرن دو نام برای یک جوهر اسطوره‌ای‌اند.

• گوکرن، درخت جاودانگی در دریاست.

• هوم سپید، نیروی جاودانگی در آیین دینی است.

• هر دو نماد پیوند زمین و آسمان، زندگی و بازایی، و غلبه نیکی بر مرگ‌اند.

ایا درخت گوکرن همان کوکنار (خشخاش) است؟

زبان‌شناسان، اسطوره‌شناسان و گیاه‌شناسان سال‌ها بر سر پیوند میان گوکرن (Gaokerena) و کوکنار (Papaver somniferum - خشخاش)، بحث کرده‌اند.

با تکیه بر پژوهش‌های تاریخی و زبان‌شناختی

۱. شباهت واژگانی (ریشه‌ی زبانی)

واژه‌ی گوکرن (Gao-kerena) در اوستایی از دو جزء تشکیل شده:

• gāo / gao = گاو، زمین، یا مایه‌ی زندگی

• kerena / karna = شاخه، شاخ، یا آفریده

ولی از دوران میانه، در فارسی، واژه‌ی «گوکرن» کم‌کم از یاد می‌رود و تنها در متون دینی می‌ماند.

در عوض، در زبان فارسی، واژه‌ی کوکنار (koknar) برای گیاه خشخاش پدیدار می‌شود.

پژوهشگران چون مهرداد بهار، مری بویس و هینلز توجه کرده‌اند که:

گوکرن (gōkarēnā) و کوکنار (koknar) از نظر آوایی بسیار نزدیک‌اند و شاید یکی در دیگری تحول یافته باشد.

۲. شباهت کارکردی (درون‌مایه‌ی اسطوره‌ای)

گوکرن در اسطوره:

• درخت دارویی و شفابخش است؛

• از آن نوش جاودانگی ساخته می‌شود؛

• و خاصیت خواب، آرامش، و بی‌مرگی دارد.

کوکنار (خشخاش) نیز در واقعیت:

• گیاهی دارویی و آرام‌بخش است؛

• شیرهاش (افیون) سبب خواب، بی‌دردی، و نوعی بی‌زمانی می‌شود؛

• در آیین‌های کهن، احتمالاً برای تجربه‌ی حالات خلسه و مینوی به کار می‌رفته است.

از این‌رو، از دید اسطوره‌شناسی، کوکنار می‌تواند تجسم زمینی و مادی گوکرن مینوی باشد.

۳. تداوم آیینی

در دوره‌های پس از زرتشتی، یعنی در ایران ساسانی و سپس اسلامی، بسیاری از نمادهای مینوی در قالب گیاهان و نوشیدنی‌های واقعی بازتاب یافتند:

هوم → سُما / سپند

گوکرن → کوکنار

مهرداد بهار می‌نویسد:

«گوکرن در جهان مینوی، مایه‌ی جاودانگی است و در زمین، همان نقش را کوکنار بازی می‌کند. خوابی مینوی و مرزی میان زندگی و مرگ.»

نتیجه‌ی پژوهش‌ها

بنابراین، وقتی گفته می‌شود «گوکرن احتمالاً با کوکنار مرتبط است»، منظور این است که:

- واژه‌ها از نظر ریشه‌ی آوایی و تحولی خویشاوند به نظر می‌رسند؛
- هر دو گیاه خاصیت دارویی، آرام‌بخش و مینوی دارند؛
- و کوکنار، در سطح زمینی، همان تجربه‌ای را باز می‌نماید که گوکرن در سطح اسطوره‌ای وعده می‌دهد:  
بی‌مرگی، بی‌دردی، و گذر از مرز هوشیاری.